



۲۰۲۰/۰۳/۰۸

احمد ضیاء دانش

زندگی زنان در افغانستان قبل از جنگ

نوشتۀ نانسی دوپری

ترجمه از احمد ضیاء دانش

۲۰۱۱/۰۳/۰۸

یادداشت ناشر:

من (ولی احمد نوری) این نوشته زنده یاد خانم نانسی دوپری را که جناب "احمد ضیاء دانش" ترجمه نموده بود، نه سال قبل در ۱۹۹۱م در وبسایت "افغان جرمن آنلاین" نشر نموده بودم که امروز در آرشیف های شخصی ام به آن برخوردم. با ملاحظه اینکه این نوشته هنوز هم در حالت موجوده افغانستان خاصاً با خاله گکانی "زلمی خلیل‌زاد" با طالبان تازگی دارد تصمیم گرفتم در وبسایت آریانا افغانستان مجدداً نشرش کنم. این شما و اینهم نوشته نانسی دوشری



کار اعمار شهر کهنه یا قدیمی ترین حصه شهر کابل پایتخت افغانستان، در سال ۱۷۷۶م آغاز گردید. شرایط زندگی [در این محل] الی دهه هفتاد دست نخورده باقی مانده بود. در اینجا در هر منزل یک فامیل زندگی میکرد، البته نه یک مرد با خانم و اطفالشان بلکه چندین نسل در کنار هم در داخل یک منزل زندگی میکردند. افراد ساکن در منزل با هم ارتباط نزدیکی داشتند در حالیکه این ارتباط با سایر افراد مسکون در محل زیاد نزدیک نبود.



Nancy Dupre

اما زندگی خانم های ساکن در این محل محدود میشد به چهار دیوار خانه. این منازل طوری اعمار گردیده بود که هر اطاق دارای ارسبی بود که به حویلی منزل متصل میگردد.

با اینحال خانم ها حتی تا سال های ۱۹۷۰ نمی توانستند بدون همراهی مردها از منازل شان بیرون روند. مرد ها معمولاً در دفاتر و فابریکه ها کار می کردند. خریداری اشیا و لوازم مورد ضرورت منزل به عهده مردان بود. زنها دارای اطلاعات خیلی اندک بودند، و مردان نیز ندرتا به ایشان در این باره معلومات میدادند.

اصلاً میتوان گفت که ارتباط بین زن و شوهر خیلی محدود بود. زنان باید مراقب اطفال و شوهران شان می بودند، آنها نباید به جهان بیرون از منزل علاقه ای می گرفتند.

امیر عبدالرحمان خان [ضیاء الملت و الدین- ولی احمد نوری] (۱) که در سال ۱۸۸۰ به تاج و تخت رسیده بود نخستین مبارز در راه تامین حقوق زنان در افغانستان محسوب می گردد. او که ملقب به (امیر آهنین) بود بدلیل اداره تندروانه اش مورد تنفر تعداد زیادی قرار دارد. اما با وجود این، او اولین افغان بود که اقداماتی را در جهت بهبود وضع زندگی زنان در افغانستان روی دست گرفت.

امیر عبدالرحمان خان با استناد به قرآن توانست ازدواج اجباری و نکاح دختران کم سن را ممنوع اعلام نماید. او توانست برای خانم ها حق طلاق و حق میراث را بدهد. در حالیکه جزای زنا، مرگ تعیین گردیده بود. امیر عبدالرحمان خان در مورد زنان پیرو همان نظر عنعنوی بود که بر مبنای آن زن به صفت سمبول عزت برای خانواده و کشورش پنداشته می شود. بر مبنای این نظر باید زنان در حصار چهار دیوار خانه باقی بمانند و از رفتن به جهان خطرناک بیرون از منزل اجتناب ورزند تا بدین وسیله خود و خانواده های شان از گزند روزگار در امان باشند.

امیر حبیب الله خان [سراج الملت والدین - ولی احمد نوری] فرزند امیر عبدالرحمان خان بود که در سال ۱۹۰۱ به قدرت رسید. او علاقه خاصی به مسایل مربوط به زندگی خانم ها نداشت اما با آنها اقدامی نمود که به طور غیر مستقیم بالای وضع زندگی خانم ها در افغانستان تاثیرگذار بود. این اقدام او اعلام عفو خانواده های بود که از بابت اداره تندروانه پدرش [امیر عبدالرحمان خان] و ادار به ترک کشور شده بودند. در میان این خانواده ها یکی هم خانواده (مصاحبان) بود که در زمان حاکمیت امیر عبدالرحمان خان و ادار به فرار به هندوستان گردیده بود. امیر حبیب الله از این خانواده تقاضا نمود تا به افغانستان برگردد و برای اینکه "اراده نیک" خود را به نمایش گذاشته باشد، شخصاً با یکی از دختران این خانواده ازدواج نمود.

این دختر مدرن جوان که (علیا جناب) نام داشت در هندوستان بزرگ شده بود. او لباس های غربی به تن میکرد و کتاب های ادبی را از زبان اردو به دری ترجمه می نمود. او با هیکل و طرز لباس پوشیدنش یک زن استثنایی در شهر کابل شمرده میشد. "علیا جناب" یک زن شکیبیا و صلحجویی بود که نمی خواست باعث تحریک و خشم جامعه گردد.

قدرت حرم

خانم دوم حبیب الله خان از اهل قندهار و به (علیا حضرت) ملقب بود. او سمبول قدرت حرم شمرده می شد به این دلیل که او می دانست چگونه یک زن بدون داشتن کدام مقام رسمی می تواند به واسطه طرح دسایس و توطئه ها حکمرانی کند. انتخاب امان الله خان به عنوان شاه آنها در صورت موجودیت برادر بزرگترش یکی از کارهای این خانم شمرده می شود. (علیا حضرت) نه تنها در داخل منزلش بلکه در همه دربار دارای نفوذ زیادی بود. او عادت داشت تا در داخل حرم باقی بماند و نمی خواست بدون مشایعت یک مرد به شهر برود.

(۱) نام های شاهان و بزرگان افغانستان از طرف مترجم به احترام یاد شده است.

در میان افغانانی که بر اساس اعلام عفو از جانب امیر حبیب الله خان سراج از تبعید به وطن برگشته بودند یکی هم (محمود بیگ طرزی) نویسنده و روزنامه نگار افغان بود. او که در کشور سوریه تولد شده بود شدیداً از جنبش جوانان ترک سال های ۱۹۰۸ - ۱۹۱۷ متأثر بود. این جنبش طرفدار آزادی و نقش زنان در جامعه بود. محمود بیگ خان طرزی با خانمش که تبعه کشور سوریه بود بعد از ورود به افغانستان تبلیغاتی را در مورد به دست آوردن حق کار و تحصیل توسط زنان افغان آغاز نمود. البته که این یک نظر واژگون کننده بود. طرزی در روزنامه (سراج الاخبار) اکثراً در باره زنان نامور جهان می نوشت. او می خواست بدین وسیله برای هموطنانش نشان بدهد که زنان نیروی محرکی اند که باید در جهت ترقی و پیشرفت کشور از آنها استفاده گردد. محمود بیگ خان طرزی دارای روابط محکمی با خانواده شاهلی بود. دو دختر محمود طرزی که با دو پسر حبیب الله خان ازدواج نموده بودند همیشه لباس های شان مطابق آخرین مود کشورهای غربی بود. مقداری از لباس های آنها از کشور هندوستان وارد می گردید در حالیکه برخی از لباس های شان توسط یک خانم خیاط که در این رشته تحصیل نموده بود و در دربار وظیفه اجرا میکرد، آماده میشد.



ازدواج شهزاده عنایت الله پسر حبیب الله خان با (خیریه) دختر محمود بیگ طرزی طی یک ضیافت شاننداری صورت گرفت، که عکس آنرا در بالا می بینید. حتی در افغانستان امروزی نیز رسم بر آنست که عروس در محفل عروسی لباس سفید که به مدل کشورهای غربی آماده می گردد به تن کند، در حالیکه در کشورهای پاکستان و هندوستان اصلاً چنین رسمی وجود ندارد. در واقعیت در افغانستان این رسم یعنی پوشیدن لباس سفید توسط عروس در محفل عروسی از همین محفل ریشه گرفته است.

این زوج تازه ازدواج نموده پشگامانی بودند که رسم یک همسررداری را اجرا می کردند. امیر حبیب الله خان شخصاً دارای چهار زن نکاحی بود که البته بعضاً تعداد زنان او به پنج، شش تن نیز می رسید. (۲) حبیب الله خان زیاد سعی می نمود تا عنایت الله پسرش را وادار سازد تا همسران متعددی داشته باشد تا بدین وسیله متحدین سیاسی امیر را تقویه نماید. اما شهزاده عنایت الله حاضر نبود زیر بار حرف پدر برود که البته این موضوع باعث تعجب شدید حبیب الله خان گردیده بود. حبیب الله خان شخصاً دارای ۲۳ پسر و ۲۳ دختر بود که از این بابت میتوان او را (پدر واقعی ملت) نامید.

(۲) همچنین امیر حبیب الله خان دارای سی و پنج زن صورتی از اقوام و تبار های مختلف افغانستان بوده است. کتاب (صفحاتی از تاریخ معاصر افغانستان بقلم سردار محمد رحیم ضیایی - تألیف ولی احمد نوری - صفحات ۷۵ - ۷۶) چاپ انتشارات بامیان - لیموز فرانسه ۲۰۱۰م.

فرزندان عنایت الله خان در داخل حرم نزد مادرشان بزرگ شدند و هیچگونه تماسی با جهان بیرون نداشتند. اطفال مذکور با ارزشهای جهان غرب بزرگ شده بودند آنها هرگز نتوانستند آن ارزش های را فرا گیرند که حیات ۹۵ فیصد نفوس دهات کشور را اداره میکرد. به همین دلیل زمانیکه آنها بزرگ شده بودند هرگز نتوانستند نیروهایی را که در عقب تغییرات اجتماعی قرار داشت و باعث دگرگونی محیط اطراف شان گردید، درک کنند. در افغانستان امروزی نیز ریشه مشکلات از همین نکته سرچشمه میگردد به این معنی که طبقه حاکم ارتباطش را با ارزشهای اساسی موجود در میان توده ها از دست داده است.

دختر دوم محمود طرزی با شهزاده امان الله "عین الوله" ازدواج نموده بود. امان الله خان در سال ۱۹۱۹ بعد از قتل پدرش امیر حبیب الله خان وارث تاج و تخت گردید. اعلیحضرت امان الله خان و ملکه ثریا دارای تفاوت های زیادی نسبت به شهزاده عنایت الله و خانمش (خیریه) بودند.

شاه و ملکه هر دو طرفداران فعال حقوق زن بوده آماده یک تحول در جامعه بودند. ملکه ثریا عادت نداشت خود را در چهار دیوار خانه محصور سازد. او [مانند ملکه حلیمه همسر امیر عبدالرحمن خان - ولی احمد نوری] اسپ سواری می کرد و با شاه امان الله یکجا به شکار میرفت که البته اینکار او در آن زمان یک عمل خیلی شورانگیز محسوب می گردید. (۳)

اولین مکتب دخترانه

علیحضرت ملکه ثریا همچنین بانی نخستین مکتب دخترانه افغانستان که در سال ۱۹۲۱ گشایش یافته بود، تلقی می شد. مدیریت این مکتب را خانم محمود طرزی به عهده داشت. فارغین دوره اول این مکتب جهت ادامه تحصیل در رشته قابلیت در سطح بالا به کشور ترکیه فرستاده شدند. در واقعیت دختران افغان نه تنها شانس این را یافته بودند که در خارج از کشور در سطح بالا تحصیل نمایند، بلکه آنها می توانستند شغلی را نیز فرا گیرند. این موضوع باعث رنجش یک تعداد مردم گردیده و یک تعداد در برابر این اقدام صدای اعتراض شان را نیز بلند نمودند. خانم های افغان در سال ۱۹۲۰ دارای یک انجمن، یک نشریه و یک شفاخانه گردیدند. همچنان اولین دسته از خانم های که در رشته قابلیت تحصیل نموده بودند در همین شفاخانه داخل کار گردیدند.

شاه و ملکه زندگی شانرا بر اساس اندوخته های شان به پیش می بردند. آنها درک نموده بودند که حیات خانم ها صرفاً در محدوده امور منزل خلاصه نمیگردد به همین دلیل ملکه ثریا عادت داشت در ملای عام ظاهر گردد.

(۳) در این نوشته خانم نانسو دوپری چنین نشان داده شده است که علیحضرت ملکه ثریا همسر اعلیحضرت امان الله خان اولین زنی بوده که با محصور بودن زن در حصار خانه مخالفت کرده و خودش با سواری اسپ بیرون از ارگ شاهی بدون چادر در کنار همسرش گشت و گذار میکرد. در حالیکه اولین زن افغان ملکه حلیمه معروف به بوبو جان جغه دار همسر سومین امیر عبدالرحمن خان در سالهای (۱۸۸۰ و ۱۸۹۸) برای احراز حقوق زن افغان و آزادی وی مبارزه نموده است. او زن دانا، فاضل و نکو کار بود. خودش سوار کار بود و با سواری اسپ و با گذاشتن جغه (تاج) بر سر در کوچه ها و خیابان های کابل گشت و گذار و با مردم مصافحه میکرد. یکی از کارهای عمرانی او ساختن پلی در راه پغمان است که تا امروز بنامش (پل بی بی حلیمه) یاد میشود. کتاب (صفحاتی از تاریخ معاصر افغانستان بقلم سردار محمد رحیم ضیایی - تألیف ولی احمد نوری - صفحات (۲۸-۳۱) چاپ انتشارات بامیان - لیموز فرانسه ۲۰۱۰م.

ملکه ثریا در لویه جرگه پغمان که در سال ۱۹۲۶ انعقاد یافت با لباس های مدل غربی ظاهر گردید. هر چند او جرئت نموده بود تا با دامن و جوراب ظاهر گردد اما صورتش همچنان پوشیده بود، زیرا ظاهر شدن بدون روپوش موضوع خیلی حساسی شمرده میشد. بنا بر همین دلیل ملکه و خانم هایی که او را مشایعت میکردند همه شان صورت های خود ها را با جالی هایی که در کلاه های زیبای شان دوخته شده بود، پوشیده بودند. اکثر ژورنالیست های انگلیسی که در این لویه جرگه حضور یافته بودند مشاهده کرده بودند که ظاهر شدن این خانم ها با پوشیدن این روبند ها خیلی جذابتر بود تا اینکه اگر آنها اصلاً بدون کدام روبند ظاهر می گردیدند.

در واقعیت زنان افغان چه در آنزمان و چه امروز از جهان مود و فیشن خیلی آگاهند.

در دهه ۱۹۲۰ در بازار [های کابل] شایعاتی پخش گردید که گویا زن ها در داخل حرم به شکل نیمه برهنه با دامن های کوتاه و پیراهن های بدون آستین گشت و گذار می کنند. همچنان گفته می شد که این خانم ها موهای شان را نیز مانند مرد ها کوتاه کرده اند، عملیکه غیر اسلامی پنداشته می شد.

در سال های ۱۹۲۷ - ۱۹۲۸ شاه و ملکه مسافرت طولانی را به ایران، مصر، اتحاد شوری و اروپا انجام دادند. ملکه در جریان این مسافرت رسمی با لباس های مدل غربی، موهای کوتاه و بدون روپوش ظاهر گردید. یک عکس ملکه که در جریان همچو یک سفر رسمی گرفته شده بود به شکل پستکارت با تیراژ بلند چاپ گردیده در میان اهالی دهات و اطراف کشور پخش گردید. این تصویر ممکن باعث سقوط دولت امیر امان الله خان پادشاه افغانستان نگردیده باشد اما مطمئناً طرز لباس پوشیدن ملکه و ظاهر شدن او به این شکل غیر عادی باعث شعله ور شدن شورشی گردید که بر علیه امان الله و اصلاحات وی صورت گرفت.

در سال ۱۹۲۸ شورشی بر علیه شاه و اصلاحات وی صورت گرفت که مولد حالتی بود که تقریباً به اوضاع [۱۹۹۶] افغانستان شباهت داشت. همه اصلاحاتی که برای بهبود حیات اجتماعی خانم ها صورت گرفته بود ملغی اعلام گردید. مکتب دخترانه مسدود، کوتاه کردن موهای سر و پوشیدن لباس های مدل غربی توسط خانم ها ممنوع اعلام گردیده، دستور داده شد تا خانم ها در خانه های شان باقی بمانند. البته موارد فوق برای کسانی که با افغانستان سال های [۱۹۹۶] آشنایی دارند بیگانگی نخواهد کرد.

(بجه سقا) [حبیب الله کلکانی - ولی احمد نوری] که رهبری این شورش را به عهده داشت توانست صرفاً ۹ ماه در قدرت باقی بماند. او بعداً توسط (سپهسالار محمد نادر خان) برادر (علیا جناب) که در زمان حبیب الله خان سراج [پدر امان الله خان] از تبعید بکشور برگشته بود، سقوط داده شد.

دوباره ظاهر شدن زنان افغان در ملای عام بدون حجاب مدت سی سال را در بر گرفت. دولت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه فرزند محمد نادر شاه در سال ۱۹۵۹ اعلام نمود که منبعده خانم های افغان در قسمت پوشیدن حجاب و زندگی کردن به شکل مستقل، مختارند. دولت پوشیدن حجاب را ممنوع اعلام نکرد بلکه این صلاحیت را به خانواده ها داد تا در مورد طرز پوشیدن لباس اعضای انات خانواده، خود شان تصمیم بگیرند.

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه از گذشته ها مصمم بود که باید خانم ها در اجتماع حضور یابند. با وجودی که رفع حجاب مدتی را در بر گرفت اما با آنهم روند انکشاف و پیشرفت با رکود مواجه نگردید. مکاتب دخترانه مجدداً گشایش یافتند. همچنان برای خانم ها یک شفاخانه ایجاد گردید که در آنجا دخترها نه تنها در بخش صحت بلکه در بخش اداره نیز تحصیل می نمودند. زمانیکه دولت اعلام نمود که حاضر است از سهم گیری خانم ها در حیات اجتماعی خارج از

منزل حمایه کند، تعداد زیادی از خانم‌هایی که تحصیلات شانرا به پایه اتمام رسانیده بودند آماده اشغال مناصب شان در اجتماع بودند.

به زودی تعداد زیادی از خانم‌ها در همه ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی استخدام گردیدند. در واقعیت زنان افغان قبل از سال ۱۹۷۸ در هر بخشی که می‌خواستند می‌توانستند شامل کار گردند. در این سال‌ها خانم‌ها در نیروهای پولیس، اردو، قضا، بخش تجارت و سایر ادارات دولتی حضور داشتند. خانم‌ها صرفاً اجازه کارهای جسمانی را نداشتند. آنهایی که به کشورهای اتحاد شوروی، هند و پاکستان مسافرت نموده اند دیده اند که چگونه خانم‌های کارگر خشت‌ها و یا مواد تعمیراتی را در بالای سر خود گذاشته، آنرا حمل می‌کنند. در حالیکه در افغانستان هرگز دیده نشده که یک زن افغان چنین کاری را انجام دهند. اجرای چنین کاری توسط خانمها در افغانستان یک عمل ننگین پنداشته میشد و اجرای چنین کاری باعث آبروریزی خود و شوهرش که او را گذاشته چنین کاری را انجام دهد، میگشت. [حتی خانم‌های افغان در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه در مقام‌های ریاست محاکم عزت‌تقریر حاصل کردند - ولی احمد نوری]



اعلیحضرت محمد ظاهر شاه زنان معلم را در روز جهانی زن به حضور پذیرفته است

آزادی غیر اجباری

آن طوری که گفته شد، این آزادی که جدیداً به خانم‌های افغان داده شده بود "دواطلبانه" بود. در آن هنگام [اعلام رفع حجاب توسط دولت] یک تعداد خانم‌ها ترجیح دادند در مجاورت منازل شان آرایشگاه‌ها و فروشگاه‌های لباس بگشایند. به این شکل این خانم‌ها می‌توانستند داخل محیط کار شوند در حالیکه همزمان در حریم محفوظ منازل شان بسر می‌بردند. در دهه ۷۰ کابل دارای تعداد زیادی فروشگاه‌های مخصوص خانم‌ها بود، همچنانکه آرایشگاه‌های مخصوص خانم‌ها تقریباً در هر محل وجود داشت. خانم‌ها همچنان می‌توانستند به صفت قاضی در محاکم خاصی که برای رسیدگی به مشکلات امور خانوادگی تشکیل گردیده بودند، ایفای وظیفه نمایند. معمولی‌ترین دوسیه‌های این نوع محاکم را مسایل طلاق و حق سرپرستی اولاد تشکیل میداد.

آن عده از خانواده‌هایی که به اصرار شان مبنی بر پوشیدن حجاب توسط اعضای انانث خانواده ادامه داده بودند در واقعیت پیروی از آن رسمی پدرسالاری می‌کردند که مدت‌ها قبل از اسلام در آنجا وجود داشت. در شرایط امروز تعداد زیادی از

کشورهای غربی انگشت انتقاد به طرف "مسلمانها" دراز می کنند در حالیکه قوانین اسلامی عادلانه است، و این مشکلات بستگی به طرز تفسیر آیات قرآن کریم دارد. تفسیری که در همیاری و هماهنگی با مردسالاری توسط مردان صورت گرفته باعث ایجاد مقرراتی شده است مبنی بر اینکه یک زن مسلمان چکار را باید انجام دهد و چکارها را نباید انجام دهد. در جامعه امروزی افغانستان هستند افرادی که دارای دیدگاه خیلی افراطی در مورد زنان هستند. در حالیکه در کنارشان افرادی نیز وجود دارند که دارای موقف معتدل تری اند.

زنان نسل جوان از آزادی به دست آمده استفاده نمودند. البته اینکه خانم ها می توانستند به مکتب و پوهنتون رفته تحصیل نمایند و یا در صورت مایل بودن بعد از ختم تحصیل وارد محیط کار گردند، به نفع شان بود.

کابل آن روز شهری بود مملو از سرگرمی ها. در این شهر تعداد زیادی رستوران ها و کلوب های جاز وجود داشت. خانم های طبقه متوسط جامعه که زیاد پیرو غرب بودند با زندگی اشتراکی در کنار خانواده و پیوستگی با نسل های گذشته خودشان را وفق میدادند. این خانم ها اکثر اوقات از بابت موجودیت رسم مرد سالاری شاکی بودند، رسمی که از طرز زندگی آنها، انتخاب همسرشان و انتخاب شغل (البته اگر اجازه کار را می افتند) نظارت میکرد.

دهه ۱۹۷۰ زمان هراس سیاسی در کابل شمرده می شود. موقف زنان در اجتماع یکی از مسایل مورد مناقشه بود. اصلاحاتی را که از طرف دولت در امور زنان صورت گرفته بود، نیرو های چپگرا مسخره خوانده، بدین باور بودند که خانم های افغان هنوز هم از آزادی واقعی برخوردار نمی باشند زیرا تصامیم مهم و ارزنده هنوز هم توسط بزرگان خانواده اتخاذ می گردد. البته این موضوع باز هم از همان رسم پدرسالاری منشاء می گرفت اما نیروهای چپگرا دولت را مورد انتقاد قرار می دادند.

محافظه کاران که از جانب دیگر شاهد حضور خانم ها در جاده ها با لباس های غربی بودند اظهار می داشتند که کشور به جانب یک "هرج و مرج جنسی" روان است. مؤسسات دینی بعد از آنکه عبدالرحمان خان در سال ۱۸۸۰ قدرت آنها را محدود ساخته بود، برای اولین بار این موارد را مورد بحث قرار داد. یک تعداد عناصر افراطی سوار بر بایسکل به سر و صورت آنده از خانم هایی که بدون حجاب یا با لباس های غربی گشت و گذار می کردند و یا هم آرایش میکردند تیزاب می پاشیدند. خانم ها نیز با ریختن به جاده ها و اجرای تظاهرات به این اعمال پاسخ میدادند. این اولین بار در تاریخ افغانستان بود که خانم های افغان همه یکجا صدای شانرا بلند می کردند.

اختلافات سیاسی که در جریان دهه هفتاد به وجود آمده بود با آشوب و شورش ثور ۱۹۷۸ به پایان رسید. همچنان این حادثه نقطه آغازی بود برای بزرگترین فاجعه جهانی هجرت و فرار که این موضوع تأثیر عمیقی بر زندگی زنان افغان گذاشت. زنان افغان تا سال های [۱۹۹۶] حتی تا امروز همه چیز را به شکل هدیه به دست آورده اند. آنها هرگز ضرورت نداشته اند تا برای حقوق خود مبارزه نمایند. در افغانستان هرگز زنی که برای حق رأی مبارزه کند وجود نداشته است. قانون اساسی افغانستان برای خانم ها حق رأی، حق کار و حق تحصیل را داده بود. در عقب قوانین اساسی آن زمان پارلمان های قرار داشت که از مرد ها تشکیل گردیده بود و خانم ها توانسته بودند بدون گذاشتن هیچگونه شرطی این حقوق شان را بدست آورند.



زندگی زنان در افغانستان قبل از جنگ